



جلوه‌های مهر و محبت در سیرهٔ فاطمه زهرا علیها السلام



عبدالکریم تبریزی

طول محبت به خداوند قرار دارد؛ یعنی همهٔ محبت‌ها به عشق الهی ختم می‌شود؛ دوست داشتن دیگران، خانواده و به خصوص عشق به اهل بیت علیهم السلام در همین راستاست. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر دوستیها و دشمنیها و بذل و بخششهای کسی برای خدا باشد، او به بالاترین درجات ایمان رسیده و ایمانش کامل شده است.»^۱ ابراز محبت و اظهار مهر، آن چنان اهمیت دارد که دل‌های مشتاق را صید کرده، آتش کینه‌ها و اختلافات را

دلدادگی به خوبان، انسان را در رسیدن به کمال مطلق و سرچشمهٔ رستگاری، یاری می‌کند و امری پسندیده و لازم است؛ چراکه انسان بدون محبت و علاقه هیچ‌گاه به مقصد دلخواه نخواهد رسید. به همین جهت، امام باقر علیه السلام فرمود: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؟»^۲ آیا دین به غیر از محبت است؟

اساساً مهم‌ترین رمز توفیق رهبران دینی به ویژه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بهره‌گیری از بهترین راهکار تربیتی، یعنی ابزار محبت به دیگران بوده است. در حقیقت، مهرورزی در تمام مراتب خود در

۱. الکافی، ج ۸، ص ۷۹، ح ۳۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۰۱.

موانع تربیت دست یابند و در جهت پیشرفت علوم تربیتی آن را به کار گیرند. اگر از این زاویه، نگاهی به مراحل تکوین و رشد و بالندگی دوران زندگی حضرت زهراء علیها السلام داشته باشیم، متوجه خواهیم شد که هر اندازه علوم تربیتی پیشرفت کند و قدم به سوی تعالی بگذارد، شخصیت والای کوثر ولایت و مادر امامت را بیشتر خواهند شناخت و انوار زهراء مرضیه علیها السلام بهتر جلوه خواهد کرد. آنان در این مسیر، نمونه‌ای شاخص تر از وجود آن حضرت نخواهند یافت. آری، حضرت فاطمه علیها السلام افزون بر دارا بودن تمام زمینه‌ها و عوامل رشد و تربیت، در آغوش موفق‌ترین مربی دنیای بشریت؛ حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم پرورش یافته است.

فاطمه علیها السلام مهربانها و گذشتها و بردباریهای مادر فداکار خویش را در سالهای نخستین عمر خود شاهد بود و رفتارهای مهرآمیز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نیز نسبت به همسر و فرزندان به نظاره نشسته بود. و این چنین بود که خاندان رسالت، بنیان مهر و وفا را در منطقه‌ای

خاموش نموده، افسردگیها را معالجه می‌کند و سخت‌ترین شرائط زندگی را تحمل‌پذیر می‌سازد.

در این مقال، برآنیم که گوشه‌هایی از سیره حضرت فاطمه علیها السلام را در طول زندگی هجده ساله‌اش در عرصه مهرورزی بیان کنیم و زیباترین صحنه‌های ابراز محبت وی برای خدا و در راه او را به نظاره بنشینیم.

در دامن مهر و وفا

اگر با دیده حق بین بنگریم، تمام زوایای زندگی یگانه دخت رسالت می‌تواند برای تمام انسانهای سعادت‌طلب، درس آموز و راهگشا باشد؛ زیرا آن بانوی عالم در مهد وحی و رسالت پرورش یافته و از سینه وفا و نجابت تغذیه کرده است. آن حضرت تمام عوامل و زمینه‌های تربیتی را در راه رسیدن به کمال تجربه کرده و بهترین بهره را در این زمینه برده است.

امروزه محققان علوم تربیتی می‌کوشند تا عوامل پیدا و پنهان ساختار شخصیت انسان و شاکله وجودی وی را بررسی کنند و در تلاش‌اند که به تمام زمینه‌ها، عوامل و

حضرت خدیجه علیها السلام در فراق او و پدر ارجمندش شدیداً ناراحت است و نگران تنهایی و بی‌یاوری حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله می‌باشد، مادرش را دلداری داد و گفت: «يَا أُمَّة! لَا تَخْزِنِي وَلَا تُرْهَبِي فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ أَبِي؛^۲ مادر جان! اندوهگین و مضطرب نباش؛ زیرا خداوند متعال یار و یاور پدرم می‌باشد.»

او آن چنان با مادر گرامی‌اش ارتباط قلبی و عاطفی داشت که پس از وفات حضرت خدیجه علیها السلام به پدر بزرگوارش می‌گفت: «يَا أَبَتِ ابْنِ أُمِّي؛ پدر جان! مادرم کجاست؟» جبرئیل نازل شد و فرمود: «یا رسول الله! خداوند می‌فرماید: سلام ما را به فاطمه علیها السلام برسان و به او اطلاع بده که مادرش خدیجه علیها السلام در خانه‌های بهشتی با آسیه و مریم علیهم السلام زندگی می‌کند.»^۳

بعد از رحلت خدیجه علیها السلام، فاطمه علیها السلام دامان پر مهر مادری عزیز را

که به غیر خشونت و بربریت چیز دیگری حاکم نبود، به روابط عاطفی و احیاء آیین مهرورزی تبدیل ساخت.

حضرت زهراء علیها السلام در اوج بی‌مهریهای انسانهای جاهل به دخترانشان، بیشترین محبت را از پدر بزرگوارش احساس کرد و تمام آن را در زندگی به دیگران بخشید. حضرت زهراء علیها السلام را «حانیه» نامیدند؛ یعنی بانویی که با شوهر و فرزندان بسیار مهربان و دلسوز بود. «حیبیه» گفتند؛ یعنی دوستدار و محبوب رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. «ام ابیها» لقب گرفت؛ چرا که برای پدر گرامی‌اش نیز نه تنها یک دختر، بلکه چون مادر بود.

حضرت زهراء علیها السلام بر این باور بود که: «بِشْرَفِي وَجْهِ الْمُؤْمِنِ يُوجِبُ لِسَاحِبِهِ الْجَنَّةَ؛^۱ خوشرویی مؤمن موجب می‌شود که او به بهشت برود.»

همدم مادر

آن حضرت در مدت ۵ سالی که با مادر فداکار خویش زندگی کرد، همواره به آن بانوی بهشتی از عمق جان عشق می‌ورزید. هنگامی که احساس کرد زمان فراق فرا رسیده و

۱. فرهنگ سخنان حضرت فاطمه علیها السلام، ص ۲۶.

۲. همان، ص ۱۶۴.

۳. امالی شیخ طوسی، ص ۱۷۵.

از دست داد و از آن به بعد دختر ۵ ساله‌ای بود که می‌بایست جای خالی مادر را در کانون خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله پر کند. حضرت فاطمه علیها السلام خود در مورد مقام مادر فرموده است: «الزَّمَّ رِجْلَهَا فَإِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ أَقْدَامِهَا؛^۱ همواره در کنار مادر باش! زیرا بهشت زیر پای مادر است.»

غمخوار پدر

دلدادگی حضرت فاطمه علیها السلام به حضرت رسول صلی الله علیه و آله از واضح‌ترین صفحات زندگی آن بزرگوار است. زمانی که مسلمانان از محاصره اقتصادی رهایی یافتند، یک روز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سر به سجده نهاده بود و با پروردگار خویش راز و نیاز می‌کرد که در همین حال، افرادی از قریش به وی نزدیک شدند و شکمه شتر را بر سر و روی مبارک حضرتش انداختند. فاطمه علیها السلام که نظاره‌گر این صحنه دردناک بود، پیش آمد و سر و صورت پدر گرامی‌اش را پاک کرد، ولی اندوهی عمیق قلب فاطمه علیها السلام را فرا گرفت. به همین جهت، رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «فاطمه، انسانی فرشته

خوست. هر گاه دلم می‌خواهد عطرهای بهشتی را ببویم، دخترم فاطمه را می‌بویم.»^۲

مرا بابا صدا کن!

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: هنگامی که آیه «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا»^۳ «پیامبر را به هنگام خطاب مانند خودتان صدا نکنید.» بلکه او را با عبارت یا رسول الله مخاطب قرار دهید! نازل شد، من نیز سعی کردم به این آیه عمل کنم و آن حضرت را به جای ای پدر! «یا رسول الله!» خطاب کنم. رسول گرامی صلی الله علیه و آله دو سه بار چیزی نگفت تا اینکه یک بار به من فرمود: «يَا فَاطِمَةُ إِنَّهَا لَمْ تَنْزِلْ فِيكَ وَلَا فِي أَهْلِكَ وَلَا فِي نَسْلِكَ أَنْتِ مِنِّي وَأَنَا مِنْكَ إِنَّمَا نَزَلَتْ فِي أَهْلِ الْجَفَاءِ وَالْغِلْظَةِ مِنْ قُرَيْشٍ أَضْحَابِ الْبَدْحِ وَالْكَيْبَرِ قُولِي يَا أَبَتِ فَإِنَّهَا أَحْبَابٌ لِلْقَلْبِ وَأَرْضِي لِلرَّبِّ»^۴ ای فاطمه! آن آیه در مورد تو و در مورد خانواده و نسل

۱. صحیفة الزهراء علیها السلام، ص ۲۸۸.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۴؛ ر.ک: صحیح

مسلم، ج ۳، ص ۱۶۷.

۳. نور، ۶۳/۱.

۴. المناقب، ج ۳، ص ۳۲۰.

تو نازل نشده؛ تو از منی و من از توام. آن آیه برای جفاکاران و درشتخویان قریش نازل شده است که اهل گردنکشی و تکبرند. تو همچنان مرا بابا صدا کن که این، دل رازنده‌تر و خدا را خشنودتر می‌سازد.»

این در حالی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را هر کس با لقب «یا رسول الله!» صدا می‌کرد، چهره‌اش می‌شکفت و با اشتیاق تمام پاسخ می‌داد: «لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ!» به خلاف کسانی که پیامبر صلی الله علیه و آله را با نام یا کنیه صدا می‌کردند که آن حضرت بی تفاوت بود. حضرت فاطمه علیها السلام آن چنان به پدر بزرگوارش مهر می‌ورزید که حاضر نبود ذره‌ای آثار ناراحتی در سیمای حضرتش مشاهده کند.

احمد بن حنبل می‌نویسد: «رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه به مسافرت می‌رفت، آخرین کسی را که با او وداع علیه السلام می‌کرد، دخترش فاطمه علیها السلام بود و چون از سفر بر می‌گشت، نخستین کسی را که ملاقات می‌کرد، فاطمه علیها السلام بود. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله از جنگی برگشت و طبق معمول به خانه فاطمه علیها السلام رفت. دید که

پرده‌ای به در خانه آویخته‌اند و حضرت فاطمه علیها السلام در وضع ظاهری منزل تغییراتی داده است. آن حضرت از همان جا بازگشت و قدم به خانه نهاد. فاطمه علیها السلام همان لحظه از سیمای پدر، ناراحتی او را فهمید و سریعاً تمام لوازمی را که تهیه کرده بود، به حضور پدر فرستاد.»^۱

شیفته رسول خدا صلی الله علیه و آله

فاطمه علیها السلام چنان به پیامبر دل بسته بود که جدایی از آن حضرت برایش غیر قابل تحمل بود. به همین جهت، بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله دیگر کسی شادی و لبخند فاطمه علیها السلام را مشاهده نکرد. آخرین لبخند آن گرامی زمانی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله در حال احتضار افتاده بود و اعضای خانواده‌اش دور بسترش را گرفته بودند. از همه بیشتر، فاطمه علیها السلام بسی تابمی‌کرد و فراق پیامبر صلی الله علیه و آله را نمی‌توانست تصور و تحمل کند. روایت زیر، گوشه‌هایی از ارتباط تنگاتنگ این فرزند و پدر را بیان می‌کند:

عایشه می‌گوید: من کسی را به

و معلم انسانهای ظلمت زده و غوطه‌ور در جهل و نادانی، بازیاترین شیوه‌ها آنان را آموزش می‌داد. آن بانوی فرهیخته چنان مردم را جذب می‌کرد که ساعات تعلیم و تعلم برای دانش طلبان لذت‌بخش‌ترین لحظات به شمار می‌آمد. گزارش زیر، یکی از جلسات آموزشی حضرت فاطمه علیها السلام را نشان می‌دهد که به نقل از امام حسن عسکری علیه السلام آمده است:

روزی زنی نزد حضرت صدیقه طاهره علیها السلام وارد شد و گفت: خانم! من مادری پیر و ناتوان دارم که برخی از مسائل نماز را به درستی بلد نیست. مرا نزد شما فرستاده تا پرسشهای دینی وی را در نزد شما مطرح کنم و پاسخ صحیح آنها را به نزد او ببرم. حضرت زهراء علیها السلام فرمود: پیرس! آن زن یک به یک سؤالات را می‌پرسید و پاسخ دریافت می‌کرد تا اینکه به ده پرسش و پاسخ رسید. او از کثرت سؤالات خجالت کشید و دیگر نپرسید و با کمال شرمندگی گفت: ای دختر رسول

پیامبر شبیه‌تر از فاطمه علیها السلام ندیدم؛ سخن گفتن و سایر حرکاتش یادآور شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله بود. هر گاه فاطمه علیها السلام به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد می‌شد، پیامبر صلی الله علیه و آله به احترام او تمام قامت بلند می‌شد، برایش جا باز می‌کرد، با کمال خوشحالی به او خوشامد و مرحبا می‌گفت، دستش را می‌بوسید و در کنار خود می‌نشاند. در آستانه رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، زهراء علیها السلام به کنار بسترش آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت خصوصی با او صحبت کرد و او گریه نمود. سپس دو باره با دخترش نجوا کرد و فاطمه علیها السلام چهره‌اش باز و خندان گردید.

بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله از فاطمه علیها السلام علت گریه و خنده‌اش را پرسیدم و او گفت: پدرم بار اول فرمود: «فاطمه جان! من از میان شما خواهم رفت.» و من گریه کردم. سپس به من فرمود: «دخترم! ناراحت نباش! تو اولین کسی از خاندانم هستی که به من خواهد پیوست.» لذا خوشحال شدم.^۱

معلم مهربان

حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان مربی

۱. بشارة المصطفی لشعبة المرثی، ص ۲۵۳.

روز قیامت محشور می شوند، نسبت به زیادی علوم و معارفی که کسب کرده‌اند و به اندازه کوششها و تلاشهایی که در راه هدایت و ارشاد بندگان خدا به کار برده‌اند، بر ایشان لباسهای کرامت و پوششهای آسمانی پوشانیده می‌شود؛ به طوری که وجود هر یک از آنان به وسیله یک میلیون لایه و پوشش نورانی آراسته شود.

آن گاه از جانب خدای متعال در میان اهل محشر ندا داده می‌شود: ای گروهی که سرپرستی یتیمان آل محمد ﷺ را پذیرفته‌اید (یتیمانی که پدران روحانی و رهبران دینی خود را از دست داده‌اند و سایه پیشوایان معصوم ﷺ از بالای سرشان کوتاه شده است)! اینان شاگردان شمایند در دنیا و همان یتیمانی هستند که شما تکفل کرده‌اید و وجود آنان را با دانش آراسته‌اید و آنان نیز به نوبه خود، شاگردان دیگری را پرورش داده و لباس علم به اندامشان پوشانده‌اند. آن گاه خداوند دستور می‌دهد که بر پاداش چنین دانشمندانی بیفزایند و در حد

خدا! دیگر به شما زحمت نمی‌دهم. حضرت فاطمه علیها السلام با کمال خوش‌رویی فرمود: هر سؤالی داری، بپرس و خجالت نکش! اگر شخصی اجیر شود که بار سنگینی را در یک روز از زمین به بالای پشت‌بام ببرد و در مقابل صد هزار دینار طلا بگیرد، آیا چنین شخصی از کار خود خسته می‌شود! آن بانوی پرشکر گفت: نه. حضرت زهراء علیها السلام فرمود: مثل من نیز همانند آن شخص اجیر است؛ من در نزد خداوند اجیر شده‌ام که در مقابل هر سؤالی که به تو پاسخ می‌دهم، مزد ارزشمندی را بگیرم. مزد من بیشتر از مرواریدهایی است که فاصله زمین و آسمان را پر می‌کند. آیا با این مزد بسیار و ارزشمند، من از پاسخ خسته می‌شوم! پس من شایسته‌ترم تا در برابر پاسخ به پرسشهای تو احساس رنج و زحمت نکنم. از پدرم شنیدم که فرمود: «إِنَّ عَلَمَاءَ شِعْبَتِنَا يُخْشَرُونَ فَيُخْلَعُ عَلَيْهِمْ مِنْ خَلَعِ الْكَرَامَاتِ عَلَى كَثْرَةِ عُلُومِهِمْ وَ جَدِّهِمْ فِي إِزْشَادِ عِبَادِ اللَّهِ حَتَّى يُخْلَعُ عَلَى الْوَاحِدِ مِنْهُمْ أَلْفُ أَلْفِ حَلَّةٍ مِنْ نُورٍ؛ دانشمندانی که در پیرو مکتب ما هستند، هنگامی که در

کمال به آنان تکریم کنند.^۱

پناه شیعیان

از ویژگیهای حضرت زهراء علیها السلام می‌توان لطف و عنایت آن گرامی را به امت اسلام به ویژه شیعیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام ذکر کرد. در هنگام ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام وقتی مقدار مهریه معین شد و آن بزرگوار از مبلغ مورد نظر آگاهی یافت، خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد:

«يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ بَنَاتَ النَّاسِ يَتَرَوْنَ بِالذَّرَاهِمِ فَمَا الْفَرْقُ بَيْنِي وَبَيْنَهُنَّ؟ أَسْأَلُكَ أَنْ تَرُدَّهَا وَتَدْعُوا اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَ مَهْرِي الشَّفَاعَةَ فِي عَصَاةِ أُمَّتِكَ»^۲ ای رسول خدا! دختران مردم با درهمها ازدواج می‌کنند، پس چه فرقی بین من و آنها خواهد بود؟ تقاضا دارم مهریه مرا باز گردانی و از خداوند [متعال] بخواهی که مهریه مرا «شفاعت» گناهکاران امت تو قرار دهد.

در آن لحظه، حضرت جبرئیل علیه السلام نازل شد، در حالی که در دستش پارچه‌ای لطیف ابریشمین قرار داشت و روی آن نوشته شده بود: «جَعَلَ اللَّهُ مَهْرَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ شَفَاعَةَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ أُمَّةٍ

آبیها؛ خداوند متعال مهریه فاطمه زهراء علیها السلام را شفاعت از گناهکاران امت پدرش قرار داد.»

هنگامی که فاطمه علیها السلام به حال احتضار رسید، وصیت کرد که آن پارچه را روی سینه و زیر کفنش قرار دهند و فرمود: آن‌گاه که در روز قیامت محشور شدم، این نوشته را با دستم بلند کرده، در مورد گناهکاران امت پدرم شفاعت می‌کنم.^۳

اسماء بنت عمیس می‌گوید: در آخرین لحظات زندگی حضرت فاطمه علیها السلام حضور داشتم. آن بانوی بانوان عالم، غسل کرده، لباسهایش را عوض کرد و در گوشه منزل به راز و نیاز مشغول شد. پیش رفتم تا از نجوای آن بزرگوار با حضرت حق آگاه باشم. فاطمه علیها السلام را دیدم که رو به قبله نشسته و دستها را به سوی آسمان برده و با کمال خلوص زمزمه می‌کند:

«إِلَهِي وَسَيِّدِي أَسْأَلُكَ بِالذَّهَبِ اضْطَفَيْتَهُمْ وَ

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام، ص ۳۴۰.

۲. فرهنگ سخنان حضرت فاطمه علیها السلام، ص ۲۴۰.

۳. صحیفه الزهراء علیها السلام، ص ۲۷۴.

محشر! چشمان خود را ببندید که فاطمه دختر محمد می خواهد عبور کند. در آن روز پیامبران، اولیاء الهی، صدیقان، شهیدان و تمام خلائق چشمان خود را می بندند تا اینکه دخترم فاطمه در میان هاله ای از نور از صفوف محشر رد می شود و به مقابل عرش الهی می رسد. در آنجا عرضه می دارد: «إِلَهِي وَ سَيِّدِي ذُرِّيَّتِي وَ شَيْعَتِي وَ شَيْعَةُ ذُرِّيَّتِي وَ مُحِبِّي وَ مُجِبِّي ذُرِّيَّتِي؛ بارالها! ای آقای من! فرزندانم و شیعیانم و پیروان فرزندانم و دوستانم و دوستان فرزندانم [را نجات بده]!» در آن لحظه، خداوند فرمان می دهد: «کجایند فرزندان، شیعیان و دوستان فاطمه و دوستان فرزندان فاطمه؟ آنان به پیش می آیند، در حالی که فرشتگان الهی و ملائکه رحمت گرداگردشان را گرفته اند، فاطمه همه آنان را داخل بهشت می برد.^۲

همچو مرغی که دانه برچیند

شیعیان را جدا کند ز هرا عزیز

يُبْكَاؤُاْ وَ لَدَيْ فِيْ مُفَارِقَتِيْ اَنْ تَغْفِرَ لِعُصَاوِئِ شَيْعَتِيْ وَ شَيْعَةِ ذُرِّيَّتِيْ؛ خداوند! ای آقای من! تو را قسم می دهم به حق انسانهایی که برگزیده ای و به ناله های دو فرزندم (حسن و حسین) در فراق من! از تو درخواست می کنم که از گناه شیعیان من و پیروان فرزندانم درگذری [و آنان را مورد عفو و رحمت خود قرار دهی]!»

آن حضرت نه تنها در لحظات حساس و سرنوشت ساز زندگی خویش همچون هنگام ازدواج و در آستانه رحلت به فکر مردم مسلمان و شیعیان بود، بلکه در قیامت نیز عنایت خاصی به پیروان خود خواهد داشت. جابر بن عبد الله انصاری از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می کند که: در روز قیامت، دخترم فاطمه با تمام جلال و شکوه و عزت و احترام در میان خیل عظیم فرشتگان آسمان وارد عرصات محشر می شود، در آن لحظه، نادای خداوند با صدای رسایی ندا می دهد که: ای اهل

۱. همان، ص ۱۱۱.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۰؛ امالی صدوق، ص ۱۸.